



داعش های سالهای ۵۹ تا ۶۱

آذر مدرسی

اسلامی، مردمی که علیه استبداد و خفقان سیاسی، علیه نابرابری اقتصادی و برای آزادی و رفاه انقلاب کرده بودند، به تاریخ دفاع جمهوری اسلامی بعنوان "محصول انقلاب" از دستاوردهای انقلاب ۵۷ در برابر تعرض "بیگانگان و دشمنان انقلاب" تبدیل شود. قرار است تاریخ حکومت ضد انقلابی ترور و وحشت سالهای ۵۷ تا ۶۱، حکومت کشتارهای دستجمعی، به تاریخ حکومت گل و بلبل و مدافع آزادی و سعادت که "از سرنوچاری"

"بزرگداشت شهدای شهریور ماه" محملی بود که جمهوری اسلامی تاریخ جعلی به قدرت رسیدن خود را برای نسلی که در این تاریخ نبوده و تصویری از آن ندارد، بنویسد. اجلاسها، مراسمها، مصاحبه ها و خاطرات و ... همه و همه قرار است، بعنوان بخشی از کمپین و تلاشی وسیعتر، پروسه خونین به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی را تظہیر کند. قرار است تاریخ به خون کشیدن مقاومت چند ساله مردم در برابر یورش وحشیانه ضد انقلاب

حکمتیست ۱۷۵

۵ سپتامبر ۲۰۱۷ - ۱۲ شهریور ۱۳۹۶
دوشنبه ها منتشر میشود

کولبری ننگ بشریت است!

اطلاعیه دفتر کردستان حزب حکمتیست - خط رسمی

روز دوشنبه ۱۳ شهریور، در تیراندازی نیروهای مرزی جمهوری اسلامی دو نفر از کولبران به اسامی حیدر فرجی و قادر سهرابی کشته شدند. تا کنون ده ها کولبر مرزی کشته شده اند. اما این خبر برای جمهوری اسلامی حادثه ای است که در گوشه ای از صفحه حوادث روزنامه ها و مدیایش درج می شود. مردم شهر بانه در اعتراض به این جنایت و تکرار مداوم آن جلو فرمانداری تجمع کرده و خواستار استعفای فرماندار و مجازات مسببین این جنایت شده اند.

تظاهرات و تجمع مردم جلو فرمانداری و به آتش کشیدن ماشین های این اداره، سرکوب مردم، و درگیری نیروهای ویژه با مردم امروز سه شنبه ادامه یافت و تعدادی از مردم تظاهر کننده زخمی و دستگیر شده اند. بازار بانه تعطیل شده و انتظار می رفت اعتصاب عمومی سراسری در کردستان به انجام برسد. مردم بانه به درستی میدانند که جانی کسی جز فرماندار و دولتمردان و فرماندهان نیروی ویژه مرزی نیست. قاتل کسی جز حاکمان بیت رهبری تا سرداران سپاه و وزرا و وكلا و قضات دستگاه قضایی جمهوری اسلامی نیست.

اگر قرار است کسانی مجازات شوند نه سربازانی است که به آنها دستور تیرانداز به کولبران داده شده، بلکه بانیان این مشقت و فلاکتی است که جوانان و سالمندان و حتی نوجوانان را به کولبری مجبور کرده است. کولبری ننگ بشریت است. ... صفحه ۲ ←

طرح کارورزی و پاسخ کارگران

مظفر محمدی



می داند که هیچ طرح سرمایه داران بر اساس منفعت کارگران ریخته نمی شود. هر طرح و نقشه و برنامه بورژوازی و دولت سرمایه داری در خدمت چرخیدن تولید با بیشترین سود و انباشت سرمایه است. و این بدون تشدید استثمار کارگر و کار ارزان ممکن نیست. این قانون بی برو برگرد نظام سرمایه داری است. طرح کارورزی هم در خدمت این هدف است. این راه حل بورژوازی ایران و دولتش است. جواب و راه حل کارگران چیست؟ این طرح ضد کارگری

طرح کارورزی در ایران از اول تیرماه امسال به اجرا در آمده است. بر اساس آمار دولتی تا کنون بیش از ۳۰۰ هزار نفر در این طرح ثبت نام کرده اند. بر اساس این طرح، به فارغ التحصیلان دانشگاهی که ۴ تا ۶ ماه بکار گرفته می شوند، ماهانه یک سوم حداقل دستمزد کارگر یعنی حدود ۳۰۰ هزار تومان پرداخت می شود. دولت این طرح را در خدمت کاهش میزان بیکاری و حل مساله اشتغال نامیده است. هر کارگر آگاهی این حقیقت را

به درست از جانب فعالین کارگری و دوستان کارگران نقد و ماهیت آن افشا شده است. همه صاحب نظران عرصه کارگری متفقند که طرح کارورزی برای اشتغال زایی و کاستن از دامنه بیکاری نیست، طرح یک نوع بیکاری و امتیاز دیگری به سرمایه داران است که هم از کار مجانی استفاده کنند و هم از پرداخت بیمه کارفرمایان نه تنها در ... صفحه ۴

آزادی
برابری
حکومت کارگری

اطلاعیه دفتر کردستان ...

در دنیایی که تکنولوژی و ابزارهای کار آتقدر پیشرفت کرده است که نیاز به حمل هیچ ابزار سبک و سنگینی توسط جسم انسان در هیچیک از مشاغل نیست، بخشی از مردم زحمتکش و بیکار و بی نان و گرسنه ناچار شده اند به شیوه قرون وسطا از مناطق صعب العبور مرزی کالا حمل و نقل کنند.

مقامات جمهوری اسلامی در تداوم کشتار کولبران به صورت شرم آوری می گویند: "ما کار کولبری را ساماندهی می کنیم!" و گویا تنها حقی که به آنها قرار است داده شود این است که کشته نشوند!

چه ساماندهی ننگینی و چه تصمیم شرم آوری! سوال و مساله زحمتکشان گرسنه ساماندهی کولبری نیست. خواست کولبران این نیست که بگذارید کارمان را بکنیم و تیراندازی نکنید...

سوال این است چرا کولبری؟ چرا این "شغل" تحقیر آمیز و کمر شکن؟ چرا بیکاران این مملکت بیمه بیکاری نمی گیرند؟ چرا بخشی از درآمد این مملکت که صرف تسلیحات نظامی و جنگ منطقه ای و نیروهای رنگارنگ سرکوب و دزدی و فساد هزاران میلیاردی و حقوق سرسام آور نظامیان و

مدیران و وزرا و وکلا می شود را صرف بیمه بیکاری به بیکاران نمی کنند؟ سوال این است صاحب این مملکت کیست؟ مسوول معیشت و امنیت این مردم کیست؟ این همه دم و دستگاه عریض و طویل دولت به نام بیت رهبری و سپاه و دستگاه قضایی و مجلس و دولت برای چیست؟ برای این که داراییهای مملکت را بین خود تقسیم کنند؟ بخورند، بچاپند، بدزدند و به ریش ملت بخندند؟ و حتی به انسان های گرسنه ای که به شیوه برده داری سابق بار بر دوش حمل می کنند، اجازه پیدا کردن نانی به سفره خالی شان را ندهند.

محسن بیکلری نماینده نوکر و مزدور دولت در مجلس اسلامی به اهالی بانه می گوید: تجمع نکنید. این تجمعات به ضرر مردم است! و نتیجه ای نمی گیرید. به این مردک چه می توان گفت جز این که به صورتش تف انداخت.

اکبر جوهری دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان کردستان هم گفته است، دو کولبر کرد که در اثر تیراندازی یکی از مأموران مرزی در منطقه "هه نگه ژال" در شهرستان بانه به قتل رسیدند، قاچاقچی بودند و محموله آنها هم مواد محترقه بوده است! به این جانی حرفه ای

چه می توان گفت؟ از نظر این دویای بی شرم کولبران مقصود و باید جنازه شان را محاکمه کرد. اما مردم باید بدانند که این یک پرونده قضایی یا یک مساله حقوقی نیست که پشت درب های بسته ننگ بشریت را به زیر می کشد. دفاع از جان و معیشت و زندگی انسان و محکومیت جنایت کشتار انسان هایی که برای امرار معاش هیچ راهی برایشان نگذاشته اند جز کولبری، تنها امر مردم کردستان

باید اعتصاب عمومی کرد. باید بازار شهرها بسته شوند. باید از همه جا فریاد کولبری ننگ بشریت است بلند شود. باید بر سر درب کارخانه ها و تخته سیاه مدارس و دانشگاه ها و در پلاکادهای دست مردم و نصب شده بر سر درب شهرها نوشته شود: کولبری ننگ بشریت است. باید به همه بیکاران بیمه بیکاری داده شود. تحقیر و محکوم کردن انسان به گرسنگی و پناه بردن به کولبری، تن فروشی، گدایی و فروش اعضای بدن و فروش کودکان ننگی است بر پیشانی سال است مملکت را چاییده و به این روز سیاه نشانده است. ...

دستگاه قضایی حل و فصل شود. این یک جنایت علیه بشریت است. این دهن کجی به انسانیت است. این دهن کجی دولت به ۸۰ میلیون انسان این سرزمین است. جواب این جنایت در دستگاه های دزد و فاسد قضایی جمهوری اسلامی گرفته نمی شود. جواب در کارخانه ها و مدارس و محلات و خیابان های شهرها است. تجمع و اعتراض مردم شرافتمند بانه تنها گوشه ای از ابراز نفرت کل جامعه ی ایران است. نفرتی که در یکی از همین روزها این دستگاه حکومتی نیست. کسانی که کشته شدند اعضای یک خانواده بزرگ چند ده میلیونی کارگران و زحمتکشان ایران بودند نه انسان هایی با هویت قومی. دفاع از جان و مال و معیشت این قربانیان تنها امر مردم کردستان نیست، امر کل جامعه ما است. اگر باید تسلیتی گفته شود تنها به زخم خوردگان خانواده حیدر فرجی و قادر سهرابی نیست، به همه کارگران و زحمتکشان در ایران است. این تیری است به جان همه ی جامعه و این زخمی است بر دل همه شهروندان این مملکت.

باید اعتصاب عمومی کرد. باید بازار شهرها بسته شوند. باید از همه جا فریاد کولبری ننگ بشریت است بلند شود. باید بر سر درب کارخانه ها و تخته سیاه مدارس و دانشگاه ها و در پلاکادهای دست مردم و نصب شده بر سر درب شهرها نوشته شود: کولبری ننگ بشریت است. باید به همه بیکاران بیمه بیکاری داده شود. تحقیر و محکوم کردن انسان به گرسنگی و پناه بردن به کولبری، تن فروشی، گدایی و فروش اعضای بدن و فروش کودکان ننگی است بر پیشانی سال است مملکت را چاییده و به این روز سیاه نشانده است.

خشم و اعتراض مردم زحمتکش بانه، تنها نمونه کوچک و بخشی از یک خشم و فریاد عمومی و انسانی در سراسر کشور است. دیری نمی پاید که آتش زیر خاکستر خشم توده های کارگر و زحمتکش بساط جرم و جنایت و فساد و سرکوب یک رژیم به شدت ارتجاعی و ضد کارگری و ضد مردمی را برخواهد چید.

دفتر کردستان حزب
حکمتیست(خط رسمی)

۱۴ شهریور ۹۶
(۵ سپتامبر ۲۰۱۷)

مرک بر جمهوری اسلامی!
زنده باد سوسیالیسم!

داعش‌های...

تروریستها، جانیان و جلادانی که بدون آنها به خون کشیدن انقلاب ۵۷ ممکن نبود، اعاده حیثیت شود. این جانی ترین جانیان بشریت، ضد قهرمانان جمهوری اسلامی، در تقابل خونین با مردمی بودند که برای ادامه انقلاب نیمه تمام خود و برای حفظ دستاورد آن مبارزه میکردند.

در میان مراسمها و خاطرات مصاحبه های تهوع آور در مورد "قلب مهربان لاجوردی"، "مهربانی های خلخال"، تبدیل پروسه شکنجه برای توأبیت به پروسه "بحث و اقصاع"، ادعای روحانی را نمیتوان بیجواب گذاشت.

روحانی در یکی از مراسمهای بزرگداشت یاران خود میگوید:

"در آن شرایط گروهک ها هم در داخل ایران از فرصت سوء استفاده کردند و در واقع مجری اوامر ابرقدرتها و اربابانشان شدند و آنچه امروز در سراسر دنیا از

مساله داعش و جنایات بسیار وحشیانه آنها گفته می شود شبیه آن را در سالهای ۵۹ تا ۶۱ در ایران و در همین تهران شاهد بودیم یک نمونه اش در همین ساختمان نخست وزیری انجام گرفت."

آقای روحانی حق دارد سالهای ۵۹ تا ۶۱، و البته دو سال قبل و سالهای زیادی هم بعد از آن، ما شاهد حضو داعشهای ایرانی و جنایاتشان نه فقط در تهران که در کردستان و ترکمن صحرا و چهار گوشه مملکت بودیم. داعش های در قدرت که رهبران شان خمینی، خامنه ای، رفسنجانی، بهشتی و بنی صدر بودند و قمه کشان، چماقداران، شکنجه گران و قاتلین شان در دانشگاهها، خیابانها و زندانها و کشتارگاهها امثال سروش ها، لاجوردی ها، خلخال ها و چمران ها و... به سراسر ایران خون پاشاندند!

سالهای ۵۷ تا ۶۱ سال تقابل خونین انقلاب و ضدانقلاب بود که یکسر آن

مراکز صنعتی تهران و آبادان و شیراز بود و سر دیگر آن کردستان! سالهایی که در آن سرنوشت انقلاب ۵۷ و آینده آن و جدال میان مردم انقلابی و حاکمیت ضدانقلابی تعیین تکلیف شد. سالهایی که عملا قدرت دوگانه ای برقرار بود. دانشگاهها، مراکز صنعتی، کردستان، شوراها، کارگری، سازمانهای دانشجویی چپ، سازمانها مدافع زنان همه و همه مراکز قدرت کمونیستها و مردم انقلابی بودند.

جمهوری اسلامی نمیتوانست این جنبش عظیم توده ای و چپ برای دفاع از انقلاب و تعمیق و ادامه آن را بدون تعرض به زنان و سنگسار، بدون حمله به کارگران، بدون اعدام صدهزار نفر، بدون قتل عام مردم بیگناه در قارنا و قلاتان و بمباران کردستان، بدون کشتار در ترکمن صحرا، بدون انقلاب خونین فرهنگی در دانشگاهها، بدون دسته های اسید پاش و چماقدار، بدون شکنجه های وحشیانه، بدون سرکوب و کشتاری وحشیانه، و در یک

کلام داعش وار شکست دهد. سرمایه ارباب و قدرت کشتار اسلامی آن داعش، اگر از داعش امروز بیشتر نبود، کمتر نبود!

اطلاق عنوان حکومت ترور و وحشت، حکومت صدهزار اعدام به حکومت خامنه ای و رفسنجانی و خاتمی و روحانی، هنوز بازگو کننده عمق جنایتکاری جمهوری اسلامی علیه بشریت نیست.

یاران خلخال قاتل و لاجوردی جلاد امروز بعنوان معتدل و اصلاح طلب در قدرت اند و یا بعنوان متفکر و دگراندیش و کارشناس و...، روی بی اطلاعی نسل جوان و بدون احساس خطری و با دفاع از جنایات خود و یارانشان مشغول جعل تاریخ اند. تاریخی که در آن جانیان و قاتلین قهرمانان اند! آقای روحانی و سران جمهوری اسلامی که تا دیروز از بازگو کردن و حتی اشاره با ایندوره پرهیز میکردند، امروز با دفاعشان از این جنایات رسماً اعلام میکنند که هر زمانی میتوانند دوباره داعش وار بساط اعدام و

کشتار و ... را راه بیندازند. روحانی و اعوان و انصار اصولگرا و معتدل و اصطلاح طلب او همان داعش های سالهای ۵۹ تا ۶۱، با همان ظرفیتهای ضد انسانی و جنایتکارانه!

ما شاهدان عینی این تاریخ، ما بازماندگان این تقابل، ما کمونیستهایی که برای آزادی، رفاه و سعادت و برابری در مقابل یکی از جنایتکار ترین رژیمهای قرن حاضر، علیه داعش های ایران ایستاده ایم، و بازماندگان یکی از عظیم ترین هالوکاست های قرن، تاریخ چگونگی به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی و سرکوب خونین انقلاب ۵۷، تاریخ جنایات سران دیروز و امروز جمهوری اسلامی علیه مردم آزادیخواه در ایران را بازگو و مدون میکنیم.

پا گذاشتن روحانی و حکومت اش به این میدان، برای همه مردم ایران باید آغازی باشد برای نوشتن تاریخ واقعی جنایات سران جمهوری اسلامی علیه بشریت! باید به استقبال آن رفت!

← طرح کار ورزی ...

کامل خانواده هایشان مسوولیت دارد. به کارگران شاغل باید دستمزدی پرداخت کرد که زیر خط فقر نباشد، به بیکاران باید بیمه بیکاری مکفی داد و به کارورزان هم بقیه دستمزدشان در حد تامین کامل نیازهای ضروری شان از جانب دولت پرداخت شود. این حداقل توقع و خواست و مطالبه ای است که کارگران و

زحمتکشان و خانواده هایشان که اکثریت عظیم شهروندان جامعه را تشکیل می دهند، می خواهند.

کلام آخر، دولت مدعی است طرح کارورزی یک راه حل کاستن از میزان بیکاری است. و همه می دانند که این ادعایی پوچ، ریاکارانه و فریبکارانه است. اما ما چه میگوییم و جواب ما چیست باید بتواند به جواب و راه حل کارگران و بیکاران و کارورزان تبدیل شود.

می توان و باید حول تامین معیشت و زندگی در شان انسان امروز و رفاه خانواده های کارگران و زحمتکشان که اکثریت عظیم جامعه اند و چرخ های جامعه بر دوش آنها می چرخد، نیروی عظیم توده ای و اجتماعی بسیج و متحد کرد.

بیان و معنای عملی تامین معیشت یعنی دستمزد مکفی به کارگر شاغل، بیمه بیکاری مکفی به کلیه بیکاران که نیازهای زندگی مرفه خانواده

ها را فارغ از نوسانات بازار و ارز، بطور کامل تامین و تضمین کند. به کارورزان هم صرفنظر از هر بذل و بخششی که دولت به کارفرمایان می کند، باید دستمزد کامل در حد تامین نیازهای طبیعی و زندگی بی دغدغه ی نان و مسکن و دیگر نیازهای انسانی اش پرداخت شود. دولت موظف است زندگی انسانی و مرفه خانواده های کارگری اعم از شاغل و بیکار و کارورز، معلم،

کارمند و کلیه حقوق بگیران جزء را تامین و تضمین کند. اگر دولت جمهوری اسلامی سرمایه داران، قادر به این کار نیست و یا از زیر بار این مسوولیت شانه خالی می کند و یا کمر به تخریب و تباهی زندگی و امنیت و آزادی اکثریت عظیم شهروندان جامعه بسته است، باید کنار رفته و جای خود را به نمایندگان واقعی طبقه کارگر و مردم زحمتکش بدهد!

**سایت آرشیو
مجموعه آثار
منصور حکمت**

<http://hekmat.public-archive.net/>

نشریه هفته

حزب حکمتیست (خارسمی)

www.hekmatist.com

سردبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب

[@HekmatistXateRasmi](https://t.me/HekmatistXateRasmi)

تلاش با حزب

دبیرخانه حزب

hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

Khaled.hajim@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

پراتیک کننده یا کارورز بیکار و کارورزان جدید و همه ی حقوق بگیران جزء وزحمتکشان جامعه، به کلیه پردازد. جوابی که طبقه کارگر چه شاغل و با دستمزد چند برابر زیر خط فقر که انهم بموقع پرداخت نمی شود و چه کارگر

کنند. بورژوازی حاکم زندگی زیر خط فقر را به نرم زندگی اکثریت مردم تبدیل کرده است. معیار برای زندگی و گذران و رفاه جامعه در ایران زیر خط فقر است.

این را نباید پذیرفت. و این جواب و راه حل طبقه کارگر اعم از شاغل و بیکار و کارورز به همه ی طرح های سرمایه داران و دولتشان بر ضد طبقه کارگر است.

جواب کارگران و کارورزان به طرح کارورزی این است که اولاً امر بیمه های اجتماعی شان چه از طرف کارفرما و یا دولت تامین و تضمین باشد و دوماً اگر کارفرما یک سوم دستمزد معمول امروز کارگرشاغل را می پردازد، بقیه اش را دولت به آنها پرداخت کند. دولت نباید از کیسه خلیفه ببخشد! وقتی انسانی را تحت نام کارگر یا کارورز به کارفرما به یک سوم قیمت می فروشد، نه دو سوم بقیه که نرم زیر خط فقر است،

بلکه مبلغی معادل تامين نیازهای اساسی اش را باید دولت که مسئولیت اداره جامعه را برعهده گرفته است، بپردازد.

مقامات دولتی و وزارت کار میگویند طرح کارورزی در همه ی دنیا هست. راست می گویند. این طرح با نام های مختلف از جمله پراتیک و غیره در کشورهای صنعتی و پیشرفته هم هست. اما در این کشورها دستمزد کارگر جدید یا کارورز، فقط آن حداقلی نیست که کارفرما می پردازد. بلکه بقیه اش را تا حد تامین کامل نیازهای اساسی، از جمله مسکن و خوراک و پوشاک و حمل و نقل و دیگر هزینه های ضروری، دولت به کارگر

دستمزد کارگر شاغل، برای یک فارغ التحصیل دانشگاه فرجی شده است. ولو مبلغ دستمزد ناچیز کفاف سیگار و چای قهوه خانه و یک ساندویچ در روز باشد. و هر کارورزی امیدوار است به اینکه درمیان چند هزار نفری که بعد از دوره کارورزی ممکن است از جانب کارفرما پذیرفته شود، قرعه به نام او بیفتد. بنا بر این واقعیت تلخ، پس باید جواب را و راه حل را در جای دیگری جستجو کرد. طبقه کارگر اکنون برای انقلاب کارگری و لغو کار مزدی که تنها راه حل حذف بردگی مزدی و لغو هرگونه تبعیض و نابرابری و فقر و محرومیت ها است... آمادگی ندارد.

اما همین طبقه و کل جمعیت محروم جامعه، دولتی در مقابل خود دارند که مسئولیت تامین زندگی شهروندان را برعهده دارد. این دولت موظف است نیازهای حیاتی مردم را بطور کامل و بی کم و کسر از خوراک و مسکن و دارو و معالجات و هزینه آموزش بچه ها و حمل و نقل و دیگر خدمات اجتماعی ... تامین کند. دستمزد کارگر، بیمه بیکاری به همه افراد بیکار، حقوق معلمان و کارمندان و پرستاران و ... باید به اندازه ای باشد که نیازهای خانواده های کارگری و زحمتکشان را چنان تامین و تضمین کند که نوسانات قیمت های بازار و نرخ پول و غیره نتواند این نیازها را تحت تاثیر قرار داده و آن را کاهش دهد.

اما آمار نهادهای همین دولت بورژوازی که کل داراییهای مملکت را در اختیار دارد، نشان می دهد که ۹۰ درصد مردم ایران زیر خط فقر زندگی می

طرح کارورزی ...

مدت کارورزی بلکه در صورت استخدام کارگر بعد از این دوره به مدت دو سال دیگر معاف شوند.

تداوم این پروژه ضد کارگری چشم انداز زدن قید پرداخت بیمه ی کارفرمایان و هرگونه تامین اجتماعی کارگران وجود دارد. بعلاوه این طرح دست کارفرما را باز می گذارد تا کارگران قدیمی را که دستمزدی مطابق حداقل دستمزدها می گیرند و بیمه شان از جانب کارفرما پرداخت می شود اخراج و کارگران کارورز جدید با یک سوم دستمزد و بدون پرداخت سهم بیمه کارفرمایی جایگزین کند. به این ترتیب ما شاهد ایجاد نوع دیگر تفرقه و شکاف در صفوف کارگران و در این طرح بین نیروی کاری که هست و نیرویی که می آید، خواهیم بود.

طرح کارورزی یک واقعیت تلخ و اتفاقی است که افتاده و دولت مشغول اجرای آن است. سوال این است که آیا می توان به شیوه تا کنونی نقد و افشا و اعتراض، این طرح را به شکست کشانید؟ آیا جواب و راه حل این است که این طرح باید لغو گردد؟ شواهد و توازن قوا تا کنون نشان داده که جواب منفی است. چیزی که روشن است این است که جواب فوق نه تنها دولت را به عقب نشینی وادار نمی کند بلکه حتی دانشجویان متقاضی کارورزی را هم از ثبت نام کردن پشیمان نمی کند.

جامعه را اقتدر به عقب رانده اند، فقر و فلاکتی را که به اکثریت کارگران و زحمتکشان تحمیل کرده اند، که قبول کاری به نام کارورزی ولو با یک سوم